

بنا

تعاونی تولید زراعی سنتی در ایران

جواد صفی نژاد

آشنایی با منطقه

منطقه بافت در جنوب کوههای لاله زار (بلندترین قله حدود ۴۳۰۰ متر) بین سیرجان و جیرفت (جنوب غربی کرمان) واقع شده است. این منطقه از دامنه های جنوبی کوههای لاله زار با شیب ملایمی تا شهر بافت، ادامه یافته است. در جنوب بافت، ارتفاع به حدود ۲۱۰۰ متر رسیده و از آن پس، منطقه هموار دشت آب آغاز می شود که از دهستان های جنوبی منطقه بافت به شمار می آید.

منطقه دشت آب از سمت شمال، غرب و جنوب به زمین های مرتفعی محدود می گردد، ولی از سمت شرق با شیب ملایمی به منطقه جیرفت می رسد تا آنجا که اختلاف ارتفاع غرب دشت آب تا جیرفت از ۶۰۰ متر هم تجاوز می کند.

پهنای منطقه دشت آب از حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر تجاوز نمی کند (مگر به سمت جیرفت). بنابراین، دشت آب صحرائی وسیعی است (۱) کم باران که میزان بارندگی سالیانه آن از حدود ۲۰۰ میلیمتر در سال بندرت تجاوز می نماید (۲)، درجه حرارت منطقه بین ۳۵+ تا ۱۷- درجه سانتیگراد در سال ۱۳۵۰ نوسان داشته است و محلیان معتقدند که «اختلاف نوسان درجه حرارت زیاد است» (۳). بر این اساس دشت آب منطقه ای است کم باران و اگر احیاناً بارانی از کوههای اطراف آن در فصل بارندگی سرازیر شود از غرب به شرق از قلب منطقه گذشته به رود جیرفت می پیوندد.

دشت آب منطقه ای است قابل کشت، ولی آب کافی ندارد. از اینرو سکنه برای رفع نیازهای کشاورزی خود حتی المقدور به زدن قنات همت گمارده اند، تأمین آب مورد نیاز کشاورزی بیشتر با آب قنات (۴) تأمین می شود. از آنجا که دشت آب نسبت به بافت منطقه حاصلخیزی نیست، حدود ۵/۵ درصد آبدی های آن، با قریب ۴ درصد جمعیت کل منطقه، در دشت آب قرار گرفته است.

منابع رسمی تعداد دههای مسکونی دشت آب را ۳۲

اقلیم ایران دارای وضع یکنواختی نیست. کوههای سراسری، فلات مرتفع، ناهمواری های ناهماهنگ و جلگه های پست، کشور را به مناطق آب و هوای مختلفی تقسیم کرده است. توزیع جغرافیایی باران با وضع ناهمواری های مناطق مختلف، دگرگونی ها و نابرابری هایی در طبیعت ایران ایجاد می کند که اقتصاد سنتی بر پایه آن شکل گرفته و تکامل یافته است.

اگر خطوط همباران سالیانه ایران را در روی نقشه بارندگی در نظر بگیریم، مشاهده می شود که خط همباران سالیانه - حدود ۳۰۰ میلی متر - ایران را به دو منطقه شرقی و غربی تقسیم می کند. واحدهای تولید زراعی جمعی که نوعی تعاونی های سنتی کهن هستند، منحصر آدر منطقه کم باران نیمه شمالی منطقه شرقی به وجود آمده اند و این واحدهای تولیدی، با نام های «بته»، «صحرا»، «هراسه» و امثال آن سراسر منطقه وجود داشتند و تا قبل از اصلاحات ارضی با قوت و قدرت به کار خود ادامه می دادند، ولی پس از اصلاحات ارضی دچار دگرگونی هایی شدند.

«بته» نام عامی بود که در روستاهای حومه تهران (گرمسار، ورامین، ری، کرج و ساوجبلاغ)، قزوین و قم، تا قبل از اصلاحات ارضی به واحدهای زراعی سنتی اطلاق می شد.

بته ها دارای سوابق کهن، ساخت اجتماعی درونی و روابط پیچیده برونی بود که بر اساس «کمیت آب» در طول مدار گردش، وسعت آن مشخص و سپس نیازهای معین می گردید و اعضاء بته ها هر چند در مجموع گروهی را تشکیل می دادند، ولی قشرهای درونی آن، بر اساس ضوابطی ارتقاء می یافتند و به همان نسبت بر حقوق مادی و منزلت اجتماعی آنها افزوده می شد.

متنی که پیش رو دارید، فصلی از کتاب «بته» نظامهای زراعی سنتی در ایران است که استاد جواد صفی نژاد سال ها پیش در ۲۲ فصل تنظیم و تدوین کرده بود. از آنجا که مهم ترین اثر استاد کتاب بته بوده و اصولاً کشف این شیوه کشت و کار سنتی و ساز و کار آن، مرهون زحمات و پژوهش های اوست، این بخش را از این اثر گرانسنگ تقدیم خوانندگان گرامی می کنیم. لازم به ذکر است که نویسنده پژوهشگر، در این مقاله، ابتدا کلیاتی از وضع هراسه های بافت را یادآور شده و سپس هراسه های ده کشکویه واقع در دشت آب را که حدود ۴۴ خانوار جمعیت دارد، به عنوان نمونه ای از هراسه ها (بخصوص هراسه های منطقه نسبتاً کم آب) مورد مطالعه قرار داده است.

آبی که در اختیار داشت زمین های زیر کشتش تغییر نموده و به همان نسبت تعداد اعضایش تغییر می کرد، زیرا آب بیشتر زمین بیشتری را زیر کشت می برد و زمین بیشتر به نیروی کار بیشتری نیاز داشت.

بین اعضاء هراسه تقسیم کار وجود داشت و پس از برداشت محصول طبق عرف محل سهم هر یک از عوامل کار (زمین، آب، بذر، شخم و نیروی کار) مشخص می شد، هراسه های ده کشکویه نمونه ای است از واحدهای تولید سنتی در منطقه کم آب دشت آب بافت کرمان.

نظام تولید زراعی جمعی، نوعی تعاون تولید زراعی سنتی است که در مناطق کم آب شرق ایران تا قبل از انجام مراحل مختلف اصلاحات ارضی وجود داشت. معروفترین این واحد به نام های «بته» در تهران، «صحرا» در خراسان، «هراسه» در شیراز و کرمان نامیده می شدند. موجودیت این واحدها بر اساس همکاری و تعاون استوار بود که این همکاری معمولاً از حدود کار صحرائی تجاوز کرده و دامنه اش تا همکاری نزدیک خانوارهای عضو واحد ادامه می یافت، زیرا هر واحد تولید (هراسه) نسبت به مقدار

با حدود ۲۱۰۰ نفر جمعیت ذکر کرده اند.

تمام این خصوصیات کمبود باران را گواهی می دهد. بنابراین این دهقانان بافت از دیرباز برای بهره برداری بهتر از زمین کشت جمعی را انتخاب کرده اند، «کشتی جمعی» یا نظام تولید زراعی جمعی یا کشت سنتی در سراسر ده های منطقه تا قبل از اصلاحات ارضی دیده می شد و به نام هراسه شهرت داشت.

پس از اصلاحات ارضی هراسه ها تغییر شکل دادند، ولی ساختمان اساسی آنها در یک منطقه جغرافیایی تقریباً یکسان ماند.

نظام تولید زراعی جمعی در بافت (۵) هراسه (بته)

در ده های نزدیک به بافت کرمان، مدار گردش آب بر اساس ۶ شبانه روز یک بار شکل گرفته است. هر شبانه روز آب قنات ۲۴ ساعت را یکدانگ برابر با ۱۶ حبه برابر ۱۶ شاهی محاسبه می نمایند و یک حبه زمین نیز مقدار زمینی است که در شرایط معمولی حدود ۴۵ کیلوگرم تخم کار دارد. بر این اساس، ده به ششدانگ تقسیم می شود و هر دانگ دارای یک شبانه روز آب نیز هست که اصطلاحاً آن را دمن می گویند.

قبل از اصلاحات ارضی در هر دمن آب ۴ تا ۱۰ نفر به شراکت کشت و زرع می کردند که تعداد قطعی آنها را مقدار آب مشخص می نمود، اگر قنات ده کم آب بود در زمین های زیر کشت هر شبانه روز آب قنات فقط ۴ نفر به کار اشتغال داشتند و اگر بر میزان آبش افزوده می گشت، این اعضاء به ۵ تا ۱۰ نفر فزونی می یافتند. اگر آب قنات کم بود زمین های زیر کشت هر شبانه روز آب به دو جفت گاو کار جهت شخم و خرم نکوبی نیاز داشت و هر جفت گاو را در اصطلاح محلی یک بند گاو می نامیدند. در صورتی که عوامل فوق آمده می شد و در رابطه با هم شروع به کار می کردند، هراسه ای ایجاد می گردید که به مدت یک سال زراعی اعضاء آن فعالیت مشترکی داشتند.

معمولاً دهقانان مالک گاو نیز بودند. یعنی هراسه ها به شکل گاو بندی اداره می شدند، ۴ دهقان عضو هراسه دارای دو بند گاو نیز بودند. در نتیجه هر دهقان بایستی مالک یک رأس گاو نیز باشد. پس هراسه های ده های نزدیک به بافت در صورت کم بودن آب قنات دارای مشخصات زیر بودند:

- ۱- یک شبانه روز آب؛
- ۲- یکدانگ برابر ۱۶ حبه زمین برابر با ۷۲۰ کیلوگرم بذریاش گندم؛
- ۳- دو جفت گاو کار؛
- ۴- چهار نفر عضو.

طرز تقسیم محصول زمین زیر کشت هراسه ها اکثرآ به کشت گندم و جو اختصاص داشت، اگر تمامی گندم یا جو به دست آمده از هراسه را می خواستند تقسیم کنند طرز تقسیم آن بدین گونه بود:

میانر	۱۰ درصد
دشتبان	۵ درصد
خوک زن	۳ درصد
خرمن کوبی	۵ درصد
شخم	۵ درصد
جمع	۲۸ درصد

پس از برداشت ۲۸ درصد از میان ۷۲ درصد محصول

هر زعیم با یک بند گاو (دو رأس) کار می کرد که مجموعاً یک مرد به حساب می آمد.

علاوه بر دو زعیم که عضو اصلی هراسه بودند، تمامی خانوار هر دو عضو هراسه پشتوانه نیروی کار هراسه به حساب می آمدند. پسر، دختر، عروس، داماد، همسر، مادر و پدر عروس یا داماد در مواقع لزوم بخصوص هنگام و جین و درو در کارهای مختلف هراسه شرکت داشتند. و جین با زنان و دختران بود و درو را مشتری (بیشتر مردان) انجام می دادند و رسیدگی به دام، نان پزی، تهیه غذا و دوخت و دوز را نیز زنان.

دهقانان بافت از دیرباز برای بهره برداری بهتر از زمین کشت جمعی را انتخاب کرده اند، «کشتی جمعی» یا نظام تولید زراعی جمعی یا کشت سنتی در سراسر ده های منطقه تا قبل از اصلاحات ارضی دیده می شد و به نام هراسه شهرت داشت. پس از اصلاحات ارضی هراسه ها تغییر شکل دادند، ولی ساختمان اساسی آنها در یک منطقه جغرافیایی تقریباً یکسان ماند.

مشخصات	یک هراسه	هراسه های
هراسه های ده	-	۴
گاو کار (رأس)	۴ (۲ بندگاو)	۱۶ (مشت بندگاو)
زعیم	۲ نفر	۸ نفر
سطح زیر کشت محصولات پاییزه	۱۴ هکتار	۵۶ هکتار
سطح زیر کشت محصولات بهاره	۷ هکتار	۲۸ هکتار
سطح کل زیر کشت	۲۱ هکتار	۸۴ هکتار
سهم آب	۲۶ ساعت ۱/۵	۱۳۴ ساعت
	شبانه روز یکبار	(شبانه روز یکبار)

جدول مشخصات هراسه های ده کشکویه دشت آب بافت

کار خاص مردان آوردن هیزم و بوته خار (جاز) از جنگل و بیابان برای نان پزی بود و همچنین آبیاری مزرعه، زمین بندی و خرید و تهیه اجناس مورد نیاز (بیشتر از شهر).

خرمن و خرم نکوبی

خرمن کردن، خرم نکوبی و پاک کردن خرمن با زارعان بود. کوبیدن خرمن با گاو انجام می گرفت و چرخ خرم نکوب (گرچین) برخلاف بسیاری از نقاط دیگر که دارای پره های آهنی بود پره های چوبین داشت و نجار محل آن را می ساخت.

پس از خرم نکوبی دانه ها از کاه جدا می شد و اریاب یا مباشر شخصاً در مهر کردن خرمن (در اصطلاح محلی «زاع») نظارت می کردند و هنگام شکستن زاع خرمن نیز مجدداً نظارت می کردند.

پس از خرمن کشی شحنه یا سر زعیم ناهار می داد که آن را «چاشت خرمن» می نامیدند.

توزین خرمن با مراسم خاصی انجام می گرفت، وزن کننده را وزان می گفتند. وی در فاصله کشیدن هر وزن را به شماره های وزن با لهجه محلی با صدای نسبتاً بلند همراه با اشعار مذهبی تکرار می کرد مثلاً می گفت:

یک: اول بنام خدا، اول به نام خدا...
دو: دو نیست خدا، دو نیست خدا...
سه: سبب ساز کارها، سبب ساز کارها
چهار: چاره درماندگان... و....

طرز تقسیم محصول

گفتیم که هر زعیم با دو رأس گاو یک مرد به حساب می آمد و مجموعاً ده ۸ زعیم در چهار هراسه داشت که با گاوهایشان ۸ مرد محسوب می شدند و یکی از این ۸ نفر بدانها ریاست می کرد که سر زعیم نامیده می شد.

محصول به دست آمده پاییزه هراسه ها به ۱۰ قسمت تقسیم می شد، ۳ قسمت سهم زعیم ها (انصبا) و ۷ قسمت سهم اریاب (منال) می گردید. مثلاً اگر برداشت غلات یک هراسه را ۱۰۰ فرض کنیم ۷۰ درصد سهم اریاب و ۳۰ درصد سهم ۸ عضو هراسه می گردید، ولی سهم اعضاء هراسه به جای ۸ قسمت شدن به ۹ قسمت

باقی مانده به سه تقسیم شده دو تقسیم (۴۸ درصد) به مالک بابت آب و زمین و بذر و کود و سرپرستی تعلق گرفته و یک تقسیم (۲۴ درصد) به دهقانان عضو هراسه تعلق می گرفت، ولی نیمی از سهم مباشر (۵ درصد) به سهم دهقانان اضافه می گردید. در نتیجه ۲۹ درصد از کل محصول به ۴ دهقان تعلق می گرفت و سهم هر دهقان عضو هراسه از محصولات پاییزه ۷/۲۵ درصد بود.

هراسه های ده کشکویه بافت (۶)

شکل و مشخصات

ده کشکویه دشت آب بافت بواسطه کمی آب قناتش فقط دارای چهار هراسه بود و چون کلیه املاک ده به ششدانگ و هر دانگ به ۱۶ حبه تقسیم می شد، مجموع ده ۹۶ حبه یا سهم محاسبه می گردید.

مدار گردش آب ۶ روز یک بار بود و هر هراسه دارای ۱/۵ شبانه روز آب بود و دو بند گاو (چهار رأس) نیروی شخم آن را تشکیل می داد و با هر بند گاو یک نفر کار می کرد که او را زعیم می نامیدند.

زمین زیر کشت هر هراسه به دو قسمت «کشت پاییزه» و «کشت بهاره» تقسیم می شد. سطح زیر کشت پاییزه از ۱۳ تا ۱۴ هکتار تجاوز نمی کرد که ۸ هکتار آن به کشت گندم و ۵ تا ۶ هکتار بقیه به کشت جو اختصاص داشت. کشت بهاره حدود نصف کشت پاییزه بود و معمولاً به کشت سیب زمینی، پیاز، نخود، ارزن، هندوانه، خربزه و یونجه اختصاص داشت که کشت نخود و ارزن مهمتر و بیشتر از محصولات دیگر بود. بر این اساس وضع هراسه های ده به قرار جدول ذیل بود.

نیروی کار

اعضاء هراسه ها را «زعیم» می نامیدند و هر هراسه بیش از دو عضو نداشت و در مجموع ده دارای ۸ زعیم بود، از ۸ نفر زعیم یک نفر به دیگران ریاست می کرد که «سر زعیم» نامیده می شد و به او شحنه نیز می گفتند.

تقسیم می شد و یک سهم اضافی به سر زعیم تعلق می گرفت.

سر زعیم یا شحنه که دو برابر هر زعیم سهم می برد وظیفه داشت علاوه بر کارهای زراعی مربوط به هراسه کارهای اربابی از قبیل آوردن بوته و هیزم، حمل گندم به آسیاب و آرد کردن آن، برف رویی پشت بام های ارباب و بیرون بردن کود طولیله را نیز انجام دهد و این قبیل کارها را در اصطلاح محلی قلون می نامیدند.

طرز تقسیم محصولات بهاره

محصولات بهاره به سه قسمت تقسیم می شد ۲/۳ سهم ارباب و ۱/۳ به زارعان تعلق می گرفت، محصولات بهاره «سیب زمینی، پیاز، صیفی» بیشتر جنبه خود مصرفی دارد، ولی نخود و پیاز علاوه بر رفع نیازهای محلی کمی به بازارهای اطراف فرستاده می شود. در بهاره کاری تهیه بذر و مخارج زراعت بهاره به عهده ارباب، ولی کود لازم، نیروی کار و حمل و نقل آن از وظایف اعضاء هراسه بود.

سهم گاو

هر زعیم با دو رأس گاو کار یک مرد به حساب می آید ولی اگر زعیمی گاو نداشت می بایست برای انجام شخم و خرمکوبی گاو مورد نیاز را تهیه و به کار گیرد. در چنین شرایطی، سهم زارع بدون گاو سه قسمت شده، دو قسمت متعلق به او و یک قسمت باقی مانده «سهم گاو کاری» به صاحب گاو تعلق می گرفت.

سهم بران هراسه

هر هراسه علاوه بر سهمی که به اعضاء رسمی و اصلی خود می داد دارای اعضاء دیگری نیز بود که مستقیماً از محصول سهم می بردند. این سهم بران در درجه اول مرسوم کاران یا نجار، آهنگر، و سلمانی (دلاک) بودند سهم بران دیگر هراسه اهمیت مرسوم کاران را نداشتند. معمولاً سهم این گونه افراد قبل از تقسیم محصول محاسبه و برداشت می شد مرسوم کاران به ترتیب اهمیت عبارت بودند از:

۱- آهنگر: هر هراسه با ابزارهای متعدد آهنی و خرده کاری ها و تعمیراتی از این قبیل که منحصر به دست آهنگر انجام می گرفت نیاز داشت، آهنگر ابزار مورد نیاز و خرده کاری ها و تعمیرات هر هراسه را به مرور انجام داده یا تهیه می کرد و در اختیار اعضاء قرار می داد و در هر سال زراعی به هنگام برداشت خرمن نیم درصد از محصول به دست آمده پاییزه هر هراسه (جو، گندم و کاه) را به عنوان دستمزد می گرفت. آهنگران معمولاً در دهی سکونت می گزیدند که در وسط قرار گرفته و به چند ده دیگر نزدیک باشد. آنان آهنگری تمامی هراسه های چند ده را قبول می کردند در ده ککشوئیه که دارای چهار هراسه بود دو درصد از کل برداشت غلات و حدود چهار بار کاه به آهنگر تعلق می گرفت و به نسبتی از محصولات بهاره نیز سهم می بردند.

معمولاً دانگی ۵ من گندم (۱۵ کیلو) و ۵ من جو و یک بار کاه به آهنگر سهم می رسید و چون هر هراسه ۱/۵ دانگ بود ۷/۵ من گندم، ۷/۵ من جو و ۱/۵ بار کاه سهم آهنگر بود. ولی این مقدار در طول سال ها ثابت

زمین زیر کشت هر هراسه به دو قسمت «کشت پاییزه» و «کشت بهاره» تقسیم می شد. سطح زیر کشت پاییزه از ۱۳ تا ۱۴ هکتار تجاوز نمی کرد. کشت بهاره حدود نصف کشت پاییزه بود و معمولاً به کشت سیب زمینی، پیاز، نخود، ارزن، هندوانه، خربزه و یونجه اختصاص داشت.



ن یادبود سررستان ۱۳۲۵ به کنگلویه و پیر احمد همراه با احمد شریف، هوشنگ کشاورز، اردشیر میرزا و اعضاء یک مدرسه عشایری در زیر یک سیاه چادر

داشت در ده ککشوئیه سهمی که به سلمانی تعلق می گرفت همانند آهنگر و نجار بود (از هر دانگ ۵ من گندم و ۵ من جو یک بار کاه) گاهی یک بار کاه تا سه بار فزونی می یافت در گذشته (تا حدود سال ۱۳۳۰ شمسی) ارباب هم از سهم خودش کمک هایی به سلمانی می کرد که مقدار آن مشخص نبود، مثلاً به دستور ارباب یا به حواله کرد او یک تا سه بار کاه به اضافه ۳۰ تا ۶۰ من سه کیلوئی گندم به سلمانی داده می شد.

۴- دشتبان: دشتبان مسئول حفظ و حراست محصول های کشت شده در تمامی ده بود، در همه سال دشتبان وظیفه داشت شبانه روز مواظب مزرعه باشد تا چهار پایان و حیوانات و حشی باعث خرابی محصول نشوند و از سرقت های احتمالی نیز جلوگیری کند.

حقوق دشتبان قراردادی بود و این حقوق در سال های مختلف بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ من گندم نوسان داشت. معمولاً با محاسبه هراسه های ده گندم نان سال دشتبان را به او می دادند و در این محاسبه خانوار او را ۵ نفر حساب می کردند (هر نفر در سال ۶۰ من) جمعاً ۳۰۰ من گندم به او داده می شد زیر معتمد بودند کسی که مصرفی سال خانواده خود را داشته باشد همه چیز دارد.

آب دادن به درو گرها به هنگام درو به عهده دشتبان یا زن او بود، زن ارباب و زن سر زعیم کارهایی به زن دشتبان و اگذار می کردند که بایستی انجام دهد علاوه بر این هازن دشتبان در جمع آوری خوشه و وچین شرکت می کرد.

با موافقت اعضاء هراسه ها و سر زعیم قطعه زمین کوچکی حدود چند قصب (۷) جهت کشت در اختیار دشتبان می گذاردند که محصول آن منحصرأ به خود دشتبان تعلق می گرفت.

۵- کدخدا: کدخدا از هر دانگ ده ککشوئیه ۲/۵ من گندم سهم می برد. یعنی از هر هراسه (۱/۵ دانگ) ۳/۷۵ من سهم می برد و چون ده شش دانگ یا چهار هراسه داشت جمع سهم کدخدا ۱۵ من می شد، کدخدای ده ککشوئیه کدخدای تمامی ده های همجوار و نزدیک نیز بود. ممکن بود هر کدخدا در بافت کدخدای یک بخش یا یک منطقه نیز باشد و از تمامی این دهها به همین نسبت سهم می برد و در قبال این سهم بیشتر به رفع اختلافات داخلی ده ها پرداخته و بین ساکنان و مأموران دولتی نیز نقش واسطه را داشت.

۶- لوطی: لوطیان به هنگام برداشت خرمن به صورت گروهی، سرخرمن حاضر شده با خوشرویی و شاد کردن زعیم ها، قدری گندم به رسم پیشکش می گرفتند که مقدار آن به حالت روحی زعیم بستگی داشت (معمولاً از حدود یک من تجاوز نمی کرد). زعیم ها لوطی و حمامی را افراد بد دهن می دانند و برای گریز از ناسزاگویی آنها می کوشند تا این گونه افراد را خوشحال از سر خرمن بازگردانند، در عین حال معتقدند که اگر اولین بار لوطی به سرخرمن آید بهتر از آمدن سید و درویش است.

۷- خوک زن: چون در اغلب مناطق کوهستانی ایران گراز یا خوک و حشی به مزارع زیر کشت آسیب فراوان

می رساند افرادی را به نام خوک زن با قراردادی (معمولاً جنسی) به کمک می گیرند. در ده کَشکوتیه نیز این حیوان وحشی وجود دارد و برای جلوگیری از آسیب های احتمالی یکی از اهالی مأمور می شود تا از ورود این حیوان به مزارع جلوگیری کند و سهم خوک زن را محلیان حدود نصف سهم دشتبان تخمین می کنند که بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ من نوسان داشت.

۸- درویش: در ده های یافت به هنگام برداشت خرمن هراسه ها درویش ها به سر خرمن رفته با خواندن اشعاری مذهبی قدری گندم، جو یا گاه می گرفتند. اگر فصل درو یا کوبیدن خرمن بود یک دسته گندم نکوبیده ساقه دار (بافه) به درویش داده می شد. بافه اهدایی به درویش حدود ۶ من وزن داشت که پس از کوبیدن حدود یک من گندم شمش (گندم خالص) می شد. در صورت آشنایی درویش با سرزعیم ممکن بود بافه اهدایی تا دو برابر افزایش یابد و گاهی دیده شده که به سید یا درویش خاصی تا پنج من گندم هم داده شده است.

۹- سید: سید که با بستن شال سبزی موقعیت خود را مشخص می نماید. به هنگام برداشت محصول به خرمن های مختلف مراجعه نموده و وضعی تقریباً شبیه درویش دارد. بسیاری از افراد به برحق بودن سید معتقدند. از اینرو علاوه بر مقداری محصول که به او می دهند از نامبرده پذیرایی نموده و احیاناً ناهاری هم به او می دهند.

۱۰- دروگر: دروگران اعضای هراسه ها بودند که با خانواده خود در فصل درو به درو می پرداختند، اکثریت آنان مرد بودند. ولی زن ها هم فعالانه در این کار شرکت می جستند، ضمناً دشتبان یا زن او مسئول آب دادن به دروگران بود.

کار دروگران از سیده دم آغاز شده تا حدود ساعت ۱۰ صبح ادامه می یافت. آنگاه پس از تعطیل موقت از چهار بعد از ظهر مجدداً آغاز می شد تا حدود ۷ بعد از ظهر ادامه می یافت و استثنائاً شب های مهتابی به کار ادامه می دادند چون کاری بود که به هر صورت خود آنها می بایستی انجام دهند. اینان در ازای یک روز کار ۳ من گندم مزد می گرفتند.

۱۱- مباشر: مباشر که در واقع ارباب دوم ده بود پس از جمع آوری سهم ارباب سهم خود را از سهم ارباب برمی داشت: حداقل ۱/۲۰ و حداکثر ۱/۱۰ از سهم ارباب به مباشر می رسید. بدین ترتیب از ۷۰ درصد سهم ارباب (منال) از محصولات پاییزه هر هراسه ۷ تا ۱۴ درصد سهم از آن مباشر می گردید و چون ده چهار هراسه داشت، سهم مباشر به حدود چهار برابر سهم فوق از هر هراسه می رسید.

۱۲- خوشه چین: به هنگام برداشت «دسته پشته» یا (جمع آوری محصول درو شده) افرادی بضاعته و زن و فرزندان زارعان و خوش نشینان با اجازه و زیر نظر «سرکار» که از طرف مالک برای جلوگیری از حیف و میل محصول موقتاً تعیین و مزد او از میانه (قبل از تقسیم محصول) پرداخت می شد، به جمع آوری خوشه می پرداختند.

خوشه چینی را ابتدا زن سرزعیم با نخوت خاصی آغاز می کرد، بدین ترتیب، که نامبرده اول وارد مزرعه شده در جلو قرار می گرفت، دیگران به دنبال او به

جمع آوری خوشه می پرداختند. در تمام مدت به ترتیبی که دسته های گندم برداشته می شد زن زعیم، جلوتر از دیگران اجازه خوشه چینی داشت. این امر، بدان سبب بود که پس از برداشتن هر دسته چون خوشه های زیادی جا می ماند تا زن سر زعیم به راحتی بتواند آنها را جمع آوری کند پس مانده زن سر زعیم سهم دیگران بود که بایستی جمع نمایند.

ساکنان ده آرزو داشتند که به شکلی یا سرزعیم خویشاوند شوند تا از این مزایا بهره مند شوند. زن سرزعیم شدن، افتخار بزرگی بود که نصیب هر کسی نمی شد و نهایت آرزوی جوانان نیز این بود که داماد سرزعیم شوند.

تعویض افراد: افرادی که به عضویت هراسه انتخاب می شدند، یک سال زراعی در سمت خود باقی می ماندند. اگر به مناسبتی تصمیم به تعویض افراد گرفته می شد در آغاز سال زراعی (اول ماه میزان - اول مهر) این کار انجام می شد. تصمیم را اغلب مباشر که نماینده ارباب بود شفاهاً به اطلاع می رساند. ارباب خطاب به مباشر در این مورد نامه ای می نوشت که فلان را معزول و فلان را به جای او بگمارید، آنگاه نامه را مباشر به زارع معزول می داد. متن زیر یکی از این نامه هاست که مالک به مباشر نوشته است:

«عالیشان (گاهی عالیجاه) مشهدی ابراهیم (۸) بموجب این خطاب لازم است موازی ۱۲ سهم (۹) از ۹۶ سهم مزرعه (۱۰)... که به مدت پنج سال زراعت نموده اید از آب بند (۱۱) میزان سال جاری به کربلایی حسن واگذار گردیده که طبق معمول زراعت نماید».

مورخ ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۲۴ قمری
امضاء مالک
پیشکش: زارعان برای تحکیم موقعیت خود مجبور بودند که گاهی هدیه ای به ارباب بدهند که بدان مقدمه می گفتند، مقدمه ها معمولاً گوسفند، بره، مرغ و یا خروس بود.

پاداش: به هنگام برداشت محصول، هراسه ای که محصولش از نظر کمی و کیفی بهتر از هراسه های دیگر بود یا اصولاً بیش از هراسه های دیگر بازده داشت از طرف ارباب مقداری جنس (گندم، جو، لباس یا پارچه) به عنوان پاداش و انعام نقدی به اعضاء آن داده می شد.

مساعده: زارعان عضو هراسه اگر به مساعده نیازی داشتند به دستور ارباب ماهانه مقداری پول و گندم بدانها داده می شد و به هنگام برداشت محصول از سهم آنها کسر می گردید. مقدار این مساعده سالانه برای هر نفر از حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان پول و ۱۰۰ تا ۱۵۰ من (سه کیلویی) گندم تجاوز نمی کرد، حدود ۲/۳ زارعان به این مساعده نیاز داشتند و اگر بدانها داده نمی شد مجبور بودند از کاسب محل قرض بگیرند و محصول خود را (سلف) بفروشند.

مساعده ای را که ارباب به زارع می داد جیره می نامیدند. گاهی اگر زارعی خوب کار می کرد یا سفارشی راجع به او می شد، ارباب جیره داده شده به او را می بخشید و به هنگام تقسیم محصول از سهمش کسر نمی کرد.

آیش: در ده «رهن» بافت هر هراسه سه طاق (۳۶ ساعت) آب داشت، زمین هادر سه آیش کشت می شد و هر هکتار را برابر ۶۰ من (۳ کیلویی) بذرپاش می دانستند.

در دهاتی که زمین های آنها وسعت بیشتری داشت هر آیش از یک تا پنج سال به طول می انجامید و در ده های بزرگ دشت آب دور تسلسل آیش تا ۲۰ سال دیده شده است.

نذر: در صورت بروز سوانح ارضی و سماوی مانند باران بی موقع، سیل، هجوم ملخ و آفات دیگر، یکی دو رأس گوسفند به عنوان «نذر» بحساب کل درآمد هراسه تهیه کرده و پس از کشتن گوسفند گوشتش بین افراد تقسیم می شد.

وضع هراسه ها پس از اصلاحات ارضی
املاک تقسیم شده بین صاحب نسق ها و خرده مالکان سابق برخی مفروز و بعضی مشاع است و مرزهای قطعه زمین های خاکی است و اغلب بر سر حدود قطعی زمینها بین مالک سابق و صاحب نسقه های زمین دار شده نزاعهایی اتفاق می افتد که ناگزیر به اداره های مربوط مراجعه می کنند.

مالک، زمین خود را پس از اصلاحات ارضی منحصرأ توسط کارگران روزمزد زراعت می کند.

پی نوشت:

۱- جغرافیای کرمان، به تصحیح: دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، صفحه ۱۳۹.

۲- اطلس اقلیمی ایران، دانشگاه تهران، مؤسسه جغرافیا، نقشه بارندگی در ایران.

۳- جغرافیای کرمان، صفحه ۱۳۹.

۴- همان.

۵- اطلاعات شفاهی اولیه را آقای شفیع بافتی از محلیان شهر یافت در تاریخ ۱۳۵۱/۳/۱۲ در شهر یافت در اختیار نگارنده گذاردند.

۶- اطلاعات اولیه مربوط به ده کَشکوتیه را آقای «منصور حافظی بافتی» از مطلعان محلی و دانشجوی دوره شبانه دانشکده علوم اجتماعی در دیماه ۱۳۵۳ در اختیار نگارنده گذاردند.

۷- قصب، قطعه زمینی است برابر با ۵×۵=۲۵ متر مربع.

۸- به ملاحظاتی نام حقیقی افراد ذکر نشده است.

۹- ۱۲ سهم از ۹۶ سهم، یعنی تمامی زمین های زیر کشت چهار هراسه ۹۶ سهم است با ۸ عضو و چون هر هراسه دارای دو عضو است. در واقع هر عضو در ۱۲ سهم زراعت می نماید.

۱۰- مزرعه منظور هراسه است و چون هراسه ها دارای نام مشخص است در اینجا نامش مشخص می شود.

۱۱- آب بند اصطلاح آغاز سال زراعی جدید است. هنگامی که حقا به سال زراعی قبلی پایان پذیرفته و سال زراعی جدید آغاز می گردد.